

اسناد درز کرده نشان دهنده
دستور از سطوح بالا برای سرکوب
«ب_____دون
معتضان ایرانی است.»
رحم»



سازمان عفو بین الملل
۸ مهر ۱۴۰۱ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲





صحنه ای از یک ویدئو که معترضان از لحظه شلیک توسط نیروهای امنیتی منتشر کرده اند

سازمان حقوق بشری عفو بین‌الملل به اسنادی رسمی دست یافته که نشان می‌دهد بالاترین نهاد نظامی ایران به فرماندهان نیروهای مسلح در همه استان‌ها دستور داده به طور «قاطع و جدی» با معترضانی که در پی مرگ مهسا امینی به خیابان‌ها آمده اند برخورد کنند.

این سازمان از جامعه بین‌المللی می‌خواهد برای جلوگیری از کشته شدن شمار بیشتری از شهروندان ایرانی، از صدور بیانیه فراتر روند و اقدامات عملی انجام دهند.

به گفته عفو بین‌الملل این سند درز رفته نشان می‌دهد که مقام‌ها قصد دارند به طور سیستماتیک اعتراضات را به هر قیمتی سرکوب کنند.

عفو بین‌الملل می‌گوید که تاکنون هویت ۵۲ قربانی مشخص شده و صدها نفر هم مجروح شده‌اند.

عفو بین‌الملل می‌گوید شواهد نشان می‌دهد که مقام‌های جمهوری

اسلامی با استقرار اعضای سپاه پاسداران، نیروی شبه نظامی بسیج، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، پلیس ضدشورش، و نیروهای لباس شخصی به مقابله ظالمانه با اعتراضات پرداخته‌اند.

این سازمان همچنین شواهدی از استفاده گسترده نیروهای امنیتی ایران از نیروی مرگبار و تفنگ علیه معترضان یافته است.

اگنس کالامارد، دبیرکل عفو بین‌الملل، می‌نویسد: «مقام‌های ایرانی آگاهانه تصمیم گرفتند به کسانی که برای بیان خشم خود از چند دهه سرکوب و بی‌عدالتی به خیابان‌ها آمده‌اند آسیب برسانند یا آنها را بکشند. در حالی که آفت کهنه مصونیت سیستماتیک در ایران وجود دارد، در این دور از خونریزی‌ها، ده‌ها مرد، زن و کودک به طور غیرقانونی کشته شده‌اند.»

«بدون یک اقدام جمعی مصمم از سوی جامعه بین‌المللی، که باید از صرف بیانیه‌هایی دایر بر محکومیت فراتر رود، افراد بی‌شمار دیگری با خطر مرگ، قطع عضو، شکنجه، تعرض جنسی یا افتادن پشت میله‌های زندان فقط به خاطر شرکت در تظاهرات روبرو هستند. اسناد درز رفته که عفو بین‌الملل به آنها دست یافته نیاز به تحقیقات مستقل بین‌المللی و مکانیسم حسابرسی را برجسته می‌کند.»

این سازمان می‌نویسد که براساس روایات شاهدان عینی و شواهد صوتی-تصویری هیچ یک از ۵۲ قربانی شناسایی شده، هیچ گونه تهدیدی جانی یا خطر جراحت جدی که استفاده از تفنگ علیه آنها را توجیه کند متوجه کسی نمی‌کردند.

«انکار دولتی و لاپوشانی بعد از یک هفته کشتار»

عفو بین‌الملل می‌گوید به یک کپی درزکرده یک سند رسمی دست یافته که نشان می‌دهد در روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲، ستاد کل نیروهای مسلح حکمی را میان فرماندهان در همه استان‌ها توزیع کرد که دستور می‌داد «با هرگونه اغتشاش توسط آشوب‌گران و ضدانقلاب برخورد قاطع و جدی کنند.»

این سازمان می‌نویسد: «عصر همان روز، استفاده مرگبار از قوه قهریه در سراسر کشور اوج گرفت به طوری‌که ده‌ها مرد، زن و کودک فقط در یک شب کشته شدند.»

یک سند درز کرده دیگر نشان می دهد که در روز ۲۳ سپتامبر فرمانده نیروهای مسلح استان مازندران به نیروهای امنیتی در همه شهرهای بزرگ و کوچک دستور «برخورد بدون رحم و در حد مرگ» علیه کسانی داد که «هرگونه آشوبگر و ضدانقلاب» توصیف شدند.

همان شب بود که خبرهای زیادی از کشته شدن مردم در شهرهای مختلف مازندران مخابره شد.

مقام های حکومت ایران به سرعت به معترضان برچسب «اغتشاشگر» می زنند. این درحالی است که هرگز مجوز برای راهپیمایی غیرحکومتی صادر نمی شود.

عفو بین الملل تاکنون نام ۵۲ نفر از کشته شدگان را ثبت کرده است، از جمله پنج زن و حداقل پنج کودک که از ۱۹ تا ۲۵ سپتامبر به دست نیروهای امنیتی کشته شده اند. دو سوم آمار مرگ (حداقل ۳۴ نفر) به روز چهارشنبه ۲۱ سپتامبر مربوط می شود اما عفو بین الملل می افزاید که آمار واقعی کشته ها خیلی بالاتر است و به تلاش برای شناسایی قربانیان ادامه می دهد.

به گفته این سازمان بررسی عکس ها و ویدئوها نشان می دهد که بیشتر قربانیان در اثر شلیک گلوله جنگی کشته شده اند. حداقل سه مرد و دو زن در اثر شلیک ساچمه های فلزی از فاصله نزدیک کشته شده اند و یک دختر ۱۶ ساله به نام سارینا اسماعیل زاده بعد از ضربات شدید به ناحیه سر با باتوم کشته شد.

عفو بین الملل می گوید مقام های جمهوری اسلامی در تلاشی برای سلب مسئولیت خود در این قتل ها، روایت های دروغینی را درباره قربانیان منتشر کرده اند و سعی کرده اند آنها را «خطرناک» و «افرادی خشن» نشان دهند یا ادعا کرده اند که توسط «اغتشاشگران» کشته شده اند.

این سازمان می افزاید: «مقام ها همچنین خانواده های قربانیان را مرعوب کرده و آزار داده اند تا آنها را وادار به سکوت کنند یا در صورت ضبط ویدئو برای نسبت دادن مسئولیت مرگ عزیزانشان به «اغتشاشگرانی» که برای «دشمنان» جمهوری اسلامی کار می کنند، به آنها قول پرداخت غرامت مالی داده اند.»

«شکنجه و بدرفتاری با معترضان»

عفو بین الملل می گوید که شواهدی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در سطح گسترده توسط نیروهای امنیتی از جمله ضرب معترضان و رهگذران یافته است. این سازمان همچنین تعرض جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی براساس جنسیت، از جمله موارد گرفتن پستان زنان توسط نیروهای امنیتی یا کشیدن خشونت آمیز موی سر بعد از برداشتن حجاب در تظاهرات را ثبت کرده است.

یک معترض در اصفهان روز ۲۸ سپتامبر به عفو بین الملل گفت: «من شاهد کتک خوردن معترضان بودم. شب قبل، دوستانم شرح دادند که چطور یک زن (معترض) از مو روی زمین کشیده شد. لباس هایش داشت در می آمد و نیروهای امنیتی او را از مو می کشیدند...»

او افزود: «دو شب قبل، چندین نفر از دوستانم با باتوم کتک خوردند. یکی از آنها، که حالا دست و پایش کبود شده به من گفت که نیروهای امنیتی آنها را در یک کوچه احاطه کردند و با باتوم زدند. یکی از نیروهای امنیتی گفت 'حالا بیایید با تیر به پایشان شلیک کنیم' و یک مامور دیگر گفت 'نه بیایید برویم'. خیلی بیرحم اند.»

عفو بین الملل می نویسد «تصاویر و گزارش هایی را دیده که حاکیست بعضی از معترضان دست به خشونت زده اند. با این حال عفو بین الملل تاکید می کند که اعمال خشونت آمیز توسط گروه کوچکی از معترضان استفاده از نیروی مرگبار علیه آنها را توجیه نمی کند.»

این سازمان توضیح می دهد که براساس قوانین و استانداردهای حقوق بشر بین المللی «حتی اگر معترضان دست به خشونت بزنند، مقام های پلیس باید مطمئن شوند که افرادی که رفتاری صلح آمیز دارند بتوانند به اعتراض خود ادامه دهند بدون آنکه با مداخله یا ارباب نیروهای امنیتی روبرو شوند.»

«هر گونه استفاده از زور در واکنش به چنین خشونتی همیشه باید تابع این اصول باشد: قانونی باشد، ضروری باشد و در تطابق با قوانین بین المللی متناسب باشد. نیروهای امنیتی نباید از تفنگ به جز برای حفاظت از خود یا دیگران در برابر خطر آنی مرگ یا جراحت جدی استفاده کنند، آن هم فقط زمانی که روشهای کم خطرتر برای نجات جان کافی نیست.»

چهار کودک میان کشته‌شدگان اعتراضات ایران

سازمان عفو بین‌الملل



سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی از سرکوب اعتراضات ایران با ثبت بیش از ۳۰ قربانی، از کشته شدن دست‌کم چهار کودک در اعتراضات اخیر خبر داده است.
بنا به این گزارش، اسامی و هویت ۲۲ مرد، چهار زن و چهار کودک کشته‌شده ثبت شده است.

عفو بین‌الملل تاکید کرده که در حال تحقیق روی موارد بیشتری از گزارش کشته شدن معترضان است و باور دارد که آمار واقعی بیش از این است.

هبه مرایف، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در این سازمان حقوق بشری، خواهان آن شده است که از طریق سازمان ملل یک کمیته تحقیق مستقل درباره وقایع ایران تشکیل شود. دبیرکل سازمان ملل از نیروهای امنیتی ایران خواسته تا از خشونت «غیرضروری و نامتناسب» خودداری کنند.

عفو بین‌الملل تنها در چهارشنبه شب ۱۹ مورد از کشته شدن معترضان به ضرب گلوله ماموران را ثبت کرده است.

این سازمان نیروهای امنیتی ایران، شامل سپاه، بسیج و ماموران لباس شخصی را متهم کرده است که به طور «عامدانه و غیرقانونی» معترضان را هدف گلوله قرار داده‌اند.

ویدئوهای منتشرشده از اعتراضات در موارد متعدد ماموران ایرانی را در حال تیراندازی به سوی معترضان با تفنگ، تفنگ ساچمه‌ای و اسلحه کمری نشان می‌دهد. در عموم این موارد به نظر می‌رسد که معترضان مسلح باشند، هرچند در بسیاری از تجمع‌های اخیر معترضان در برابر نیروهای امنیتی از خود دفاع می‌کنند و با آنان درگیر می‌شوند.

پدر میلان حقیقی، مرد جوان ۲۱ ساله‌ای که در اعتراضات اشنویه کشته شد، به عفو بین‌الملل گفته: «انتظار مردم از سازمان ملل این است که از ما و معترضان دفاع کند. من هم می‌توانم محکوم کنم، همه دنیا می‌تواند اینها را محکوم کند، اما این محکومیت چه فایده‌ای دارد؟»

هبه مرایف، از عفو بین‌الملل، گفته: «آمار فزاینده کشته‌شدگان نشانه نگران‌کننده‌ای از این است که مقام‌های ایرانی تا چه حد می‌توانند در تاریکی قطع اینترنت هجوم بی‌رحمانه‌ای بر جان انسان‌ها ببرند. چیزی به اسم تحقیق بی‌طرفانه در داخل ایران وجود ندارد. اعضای سازمان ملل باید از بیانیه‌های بی‌فایده فرا بروند و فریاد مدافعان حقوق بشر در ایران را بشنوند و فوراً مکانیسمی تحقیقی را سازمان ملل به راه بیندازند».

مطابق تحقیقات عفو بین‌الملل دستکم در ۱۱ استان ایران کسانی از میان معترضان یا رهگذران کشته شده‌اند. به نظر می‌رسد سرکوب در مناطق کردنشین شدیدتر بوده است.

اسامی کشته‌شدگان به روایت عفو بین الملل

آذربایجان غربی: صدرالدین لیتانی، میلان حقیقی، دانش رهنما، امین معرفت ۱۶ ساله و عبدالله محمدپور ۱۷ ساله

مازندران: محسن محمدی، حنا نه کیا، حسینعلی کیا، مهرزاد عوضپور، محمد حسینخواه، میلاد زارع

کردستان: رضا لطفی، فریدون محمودی، فواد قدیمی و محسن محمدی

کرمانشاه: امیر فولادی، حسین محمدی و مینو مجیدی

البرز: حدیث نجفی و روزبه خادمی

کهگیلویه و بویراحمد: مهرداد بهنام اصل، پدرام
آذرنوش ۱۶ ساله که به گفته شاهدان عینی رهگذر بود
و در تیراندازی بی هدف ماموران کشته شد

گیلان: امیر نوروزی

سمنان: مهدی عسگری

تهران: محمد جواد فرمانی

ایلام: محسن قیصری

اصفهان: مهسا مگوی

۲ مهر ۱۴۰۱ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲

برگرفته از سایت بی بی سی به فارسی

قتل ژینا (مهسا) امینی توسط
عوامل رژیم جمهوری اسلامی را
محکوم می‌کنیم!



بیانیهی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
«همیشه آنکه می رود، کمی از ما را با خود می برد»

یدالله رؤیایی

در سوگ ژینا (مهسا) امینی

مگر می شود انسان باشی و آنچه بر زنان ایران می
گذرد را نبینی!

مگر می شود انسان باشی و خشم و نفرت خود را نسبت
به رژیم مستبد، مرتجع و ضدانسانی حاکم در ایران
نشان ندهی!

دختر جوان کرد ما، ژینا (مهسا) امینی، در آخرین
سفر زندگیش به تهران مورد ضرب و شتم نیروهای
انتظامی حکومت اسلامی قرار گرفت که منجر به مرگ او
شد. مرگی که باعث موج وسیعی از اعتراضات در سراسر
کشور شده است. کشتن جوانانی مانند ژینا، پویا،
نوید، زم، ندا و سهراب... ناقوس پایان حکومت
استبداد را به صدا درآورده است!

حکومت ارتجاع و استبداد در ایران، سلطه خود را با
سرکوب، تهدید و محدودیتهای بی پایان برای زنان
آغاز کرد!

بیش از چهار دهه با به کارگیری تمامی حربہ ها، هم‌چون دستگیری، زندان، شکنجه، شلاق و اعدام، باز هم زنان ایران با شجاعتی کم نظیر و در هر شرایطی، صدای اعتراض خود را نه تنها در ایران بلندتر کرده‌اند، بلکه به گوش جهانیان هم رسانده‌اند.

مرگ ژینا (مهسا) امینی به دست سربازان آتش به اختیار "گوش به فرمان رهبر"، نمونه دیگری از جنایت آشکار حکومت است. بنابر این ما خامنه‌ای را متهم ردیف اول قتل ژینا، این گل زیبای ایران، می‌دانیم.

ما همدردی و همدلی خود را با خانواده و بستگان ژینا (مهسا) و تمامی مردمان ایران اعلام می‌داریم.

ما ضمن محکوم کردن رژیم اسلامی در ایران، از همه مردم ایران می‌خواهیم به توضیحات و توجیحات دروغین مسئولان بی‌مسئول و سران امنیتی، محل امنیت جامعه، اعتماد نکنند و در راستای سرنگونی کلیت آن و برای برقراری یک حکومت مردمی بکوشند.

تجربه مبارزه چهل و چند سال زنان علیه حکومت اسلامی نشان می‌دهد، تنها با ایجاد تشکلهای مستقل و دموکراتیک و برپایی جنبشهای اجتماعی می‌توان در برابر ارتجاع ایستاد و در راستای جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین به پیروزی رسید!

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ برابر با ۲۷ شهریور ۱۴۰۱



در محکومیت قتل مهسا امینی



بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی
فرهنگیان

ژن ژيان ئازاد زن زندگي آزادي

از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سروقدشان، سرو خمیده
در سایه گل بلبل از ازین غصه خزیده
گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

ملت ایران و ایران کردستان

امروز بیش از هر زمانی شاهد فجایع و جنایات
سیستماتیک و سازمان یافته از جانب تبه کاران
ریاکاری هستیم که سرشت ذاتی و انسانی آدمی را به
پشیزی نمی گیرند و در تقابل و تعارض آشکار با
حقیقت، گوی سبقت را از همه ددمنشان تاریخ ربوده
اند!

افسارگسیختگانی که به نام دین و به کام قدرت طلبی
و هوای نفس پلید خود، امر به این جنایات
هستند، سالهاست کمر همت نابودی دین را بسته اند و
در بسط دین گریزی به دین ستیزی راهی نزدیک تر
پیموده اند.

کسانی که از اندیشه و تعقل ورزی هراسان و
گریزانند، حکومت و حکمرانی را با عداوت و شقاوت
چنان عجین کرده اند، که هیچ دشمنی تاکنون
نتوانسته این چنین زندگی را به کام این ملت، تلخ
و زهرآگین کند!

متأسفانه سیاست های غلط و خوانشهای نادرست از دین
و حکومت هر روز فاجعه ای می آفریند.
این ایدئولوژی و تفکر منحط در راستای فریب جامعه
به منظور ایجاد حواشی و انحراف افکار عمومی است
تا با مسائل و مصائب ساختگی، تسلط بیشتر برای غارت
منابع و ثروت کشور بیابند و بر قدرت نامشروع خود
بیفزایند.

امروز با ریختن خون دختر معصوم اهل سقز به نام ژینا (مهسا)، دیروز در مریوان و فارس و خوزستان و تهران و البرز؛ گویا این چرخه قتل تمامی ندارد و عزمی جدی برای کشیدن خط بطلان، بر پایان چنین فجایع و جنایاتی دیده نمی شود.

خشک مغزانی که چنین با قرائت خشونت بار از دین، سالها علیه حقوق شهروندان اقدام کرده اند و با این خوانش نامبارک، زمینه قتل و کشتن شهروندان را فراهم آورده اند، باید بدانند شهروندان ایرانی دیگر در مقابل چنین جنایاتی بی تفاوت نخواهند گذشت. اگر عزمی جدی برای پایان دادن به چرخه خشونت ها و قتل ها از ندا آقا سلطان تا پویا بختیاری و نوید افکاری در میان بود، امروز ما شاهد پرپر شدن معصومانه ژینا امینی در ۲۲ سالگی نبودیم. کشته شدن مسافران بی گناه در پرواز ۷۵۲، قتل های زنجیره ای، حمله به کوی دانشگاه و عدم بررسی دقیق عاملان و آمران این فجایع و برخورد جدی و ریشه ای با آنها موجب شده که اعتماد عمومی دچار خدشه ای جدی گردد و حاکمیت سرمایه اجتماعی خود را به طرز بی سابقه ای از دست بدهد.

و اما جا دارد هشدار به مقلدان و مأمورانی بدهیم که خود را معذور می نامند و می دانند. آنها باید بدانند که امر آمران کج اندیش علیه شهروندان ایران، مسئولیت را از آنها سلب نکرده و ننگ ابدی را برای همیشه بر پیشانی شان خواهد نگاشت. به پرپا کنندگان گشت ارشاد هم انذار می دهیم: گشت ارشادتان برای مردم غرب نیست، اما مرگ فجیع مظلومانی چون مهسا امینی، چهره ی بدون روتوش تفکر و منش آمران خشونت طلب تهی مغز پشت صحنه را در ویتترین افکار عمومی به نمایش گذارده است.

به راستی گشت ارشاد با کدامین مجوز قانونی و شرعی و حقوق بشری به خود اجازه می دهد به صورت وحشیانه و غیر انسانی، دختران معصوم و مظلوم ایران را در درون "ون" بیندازد تا به بهانه ی آموزش های ایدئولوژیک در بازداشتگاه ها، برخی از آنها را از

مسلخ قتل بیرون آورد؟
شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن
ابراز همدردی با خانواده و بازماندگان مرحوم
ژینا (مهسا) امینی، مردم شریف ایران و کردستان
خواهان اجرای نص صریح قانون و عدالت در مورد
آمران و عاملان این جنایت هولناک بوده و از دستگاه
قضایی و نهادهای حاکمیتی انتظار دارد اجازه ندهند
قانون گریزان و خاطیان این پرونده همچون موارد
مشابه در امان باشند.

همچنین این شورا خواهان برچیده شدن نهادهای بی
خاصیتی همچون گشت ارشاد (ارتجاع) بوده چرا که
اعتقاد دارد این نهادها کارکردی جز نقض حقوق بشر
و کاشتن تخم کین و نفاق در تار و پود جامعه
نداشته و صرفا بستری برای سوء استفاده ی تمامیت
خواهان و قدرت طلبان است.

شورای هماهنگی تشکل های □□□□ فرهنگیان ایران

26 شهریور 1401

قتل مهسا امینی را محکوم می‌کنیم

سرکوب نظام‌مند زنان و قتل مهسا
(ژینا) امینی را محکوم می‌کنیم

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران

برگ سیاه دیگری از سرکوب زنان به
کارنامه‌ی حاکمیت افزوده شد. این بار
مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله‌ی اهل
سقز که با ضرب و جرح مأموران «گشت
ارشاد» حاکمیت به کما رفته بود، جان خود



را از دست داد.

مهسا امینی که همراه خانواده‌اش به تهران سفر کرده بود، غروب سه‌شنبه ۲۲ شهریور ماه در ایستگاه متروی حقانی بازداشت شد. او در زمان بازداشت همراه برادرش بود. به گفته‌ی بستگان آن‌ها پس از اعتراض کیارش امینی، برادر مهسا، به این بازداشت، مأموران با گاز اشک‌آور مردم را پراکنده کردند. آن‌ها با اعلام اینکه مهسا «بعد از یک ساعت کلاس توجیهی و با امضای تعهد» رها می‌شود، او را به بازداشتگاه وزرا بردند و پس از دو ساعت جسم نیمه‌جان‌ش را به بیمارستان کسری منتقل کردند.

در پی انتشار این خبر، «نیروی انتظامی» حاکمیت پس از گذشت دو روز با انتشار متن کوتاهی به آن واکنش نشان داد و خبر «بدرفتاری» با مهسا امینی را «اخبار و ادعاهای رسانه‌های معاند» دانست. در این متن با اعلام اینکه مأموران حاکمیت این دختر ۲۲ ساله را برای «توجیه و آموزش» به بازداشتگاه «هدایت» کرده‌اند، آمده بود که مهسا امینی «در جمع سایر افراد هدایت شده به طور ناگهانی دچار عارضه‌ی قلبی» شده است. پس از این واکنش، بستگان او اعلام کردند «از مهسا پرونده‌ی پزشکی داریم و او کاملاً سالم بوده است». همزمان گزارش‌هایی از ضرب‌وشتم امینی و دیگر زنان بازداشت‌شده در ون گشت ارشاد منتشر شد و در کنار انتشار روایت‌های سایر زنان از ضرب‌وشتم در بازداشتگاه‌های گشت ارشاد بار دیگر بر سرکوب نظام‌مند زنان صحنه گذاشت.

واکنش گسترده به خبر هولناک قتل مهسا امینی در شرایطی صورت گرفت که در ماه‌های اخیر بازداشت سپیده رشنو و پخش اعترافات اجباری او نیز خشم عمومی را برانگیخته بود. حاکمیت در پاسخ به این خشم عمومی نیروهای امنیتی‌اش را در داخل و بیرون بیمارستان کسری مستقر کرد تا پیشاپیش راه را بر هر تجمع و اعتراض ببندد؛ روشی که حاکمیت هر بار پس از قتل بازداشت‌شدگان و زندانیان برای سرکوب واکنش‌های اعتراضی مردم در پیش می‌گیرد. به بند کشیدن و به کام مرگ فرستادن و سپس فشار بر خانواده و نزدیکان برای مردم روندی آشناست. قتل بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران یکی از این بیشمار جنایت‌های عمدی حاکمیت بود، که در پی آن فشار نیروهای امنیتی بر خانواده و نزدیکان او تا امروز نیز ادامه یافته است.

چرخه‌ی سرکوب زنان در ۴۴ سال گذشته هر بار به شکلی به گردش درآمده و جان و زندگی و سرنوشت زنان را در چرخ‌دنده‌های خود خرد

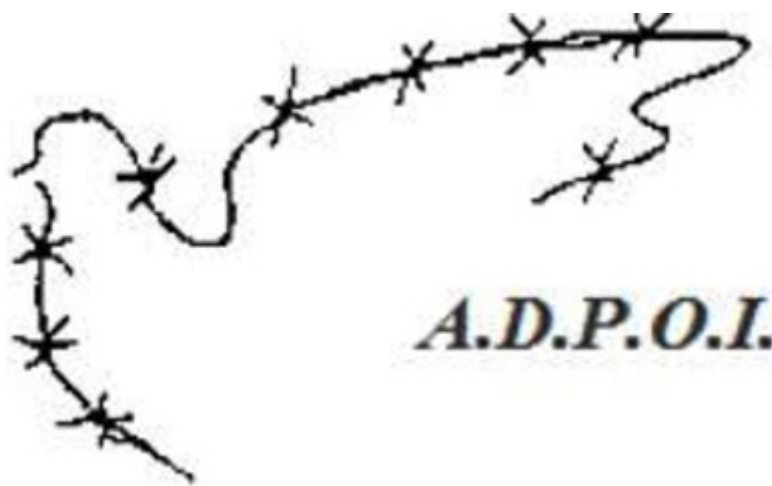
کرده است. اکنون دیگر این سرکوب نظام‌مند پشت ترکیب‌هایی همچون «به طور ناگهانی» و «عارضه‌ی قلبی» پنهان نمی‌ماند. اختناق مستمر، تجربه‌ی هر روزه‌ی زنان است. قتل مهسا امینی، نمونه‌ای آشکار شده از سرکوبی تمام عیار است که سال‌ها زیر سایه‌ی حاکمیت زن‌ستیز در جریان بوده است. نخستین بار نیست که حق انتخاب پوشش که حق مسلم و بدیهی است، به مرگ زنی انجامیده است؛ زنی جوان که روزی «عادی» را در این سرزمین سپری می‌کرده است.

کانون نویسندگان ایران ضمن دفاع از حق انتخاب پوشش، قتل مهسا (ژینا) امینی را محکوم می‌کند و خواهان توقف سرکوب نظام‌مند زنان است.

کانون نویسندگان ایران

۲۵ شهریور ۱۴۰۱

سرکوب فزاینده در ایران هر روزه قربانی می‌گیرد



انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران-
پاریس

موج جدید و فزاینده سرکوب ها در ایران که از فروردین ماه سال ۱۴۰۱ شدت گرفت، با اتهامات واهی برای فعالان جامعه مدنی، فرهنگیان و کارگران و دستگیری و شکنجه آنان تکرار می شود؛ بار دیگر از بیگناهی قربانی گرفت.

مهسا (ژینا) امینی ۲۲ ساله با ضرب و شتم مأموران «گشت ارشاد» دستگیر و بشکل نامعلومی در اسارت «گشت ارشاد» کشته شد. تاریخ ۴۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، مملو از اعدام بی گناهان و کشته شدن مشکوک زندانیان و ترور مخالفان و در راس همه، کشتار جمعی زندانیان سیاسی و عقیدتی در تابستان ۱۳۶۷ است که مصداق بارز جنایت علیه بشریت می باشد.

قتل شاهرخ زمانی، سعیدی سیرجانی، هاله سحابی، ژاله کاظمی، کاوس سید امامی، ستار حسینی و امروز نوگل جوان مهسا امینی، تنها بخشی از کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی و اجتماعی و شهروندان بی گناه سراسر ایران است.

تجربه نشان می دهد که زندانیان سیاسی و عقیدتی و اجتماعی در زندان های جمهوری اسلامی از حداقل امنیت جانی برخوردار نیستند و حاکمیت مذهبی ایران با انواع شکنجه و همبندی زندانیان جامعه مدنی با زندانیان خطرناک و حتی مسلح در زندان، جان همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و اجتماعی را به مخاطره می اندازد

امروز بر ماست تا با افشای شرایط زیست در سیاهچال های جمهوری اسلامی ایران، وجدان بین المللی و تشکل های غیردولتی مدافع حقوق انسانی را جهت اعتراض رسمی به جمهوری اسلامی ایران جلب کنیم و این تشکل ها را به اعزام هیأت های بی طرف جهت بازدید از زندان های ایران تشویق نماییم.

انجمن ما به سهم خود ضمن تماس با تشکل های مستقل مدافع حقوق اولیه انسان و حفظ محیط زیست و مدافع حقوق زنان و کودکان و مدافع حقوق حقه کارگران، در اعتراض به شرایط وخیم زیرپا گذاشته شدن حقوق اولیه شهروندان ایران، بزودی تظاهرات ایستاده ای در پاریس برگزار خواهد کرد. جزییات این تظاهرات اعتراضی متعاقباً به اطلاع همگان خواهد رسید.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس